از هراره تا تهران - ۲۸

درسی که نباید فراموش کنیم

بمب شیمیایی برای صدام، تحریم ماسک برای ایران

[ادامه شرح ماجرای دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با امام خمینی برای اعزام به مناطق جنگی] ما آمدیم بیرون؛ معطلش نکردم، گفتم: آقای دکتر[چمران] همین الان راه بیفتیم برویم. گفت: پس تا بعدازظهر صبر کن، من چند تا دوست و آشنا دارم. من آمدم منزل، به محافظینم گفتم که خداحافظ شما ـ هفت، هشت تا، پنج، شش تا محافظ داشتیم، سپاه گذاشته بود ـ گفتم دیگر اینجا مسئلهٔ محافظت نیست. من دارم می‌روم میدان جنگ؛ محافظت برای تهران بود، میدان جنگ که دیگر محافظت ندارد. با اینها خداحافظی کردم؛ منقلب شدند. بعضی‌هایشان گریه کردند، ناراحت شدند؛ بعد به من گفتند: که خیلی خب، حالا ما می‌آییم، به‌عنوان محافظ نمی‌آییم، ما هم می‌خواهیم بیاییم جبهه، گفتم بیایید. عصری با مرحوم چمران راه افتادیم.

سر شب بود، اوایل شب رسیدیم اهواز. بنده رفتم توی متن قضایا، یعنی یک شب را من نگذراندم، همان شب اول که رفتیم، یک گروه کوچکی درست شد که بروند آرپی‌جی و تفنگ بردارند، بروند داخل صفوف دشمن و به اینها شبیخون بزنند، یک کاری بکنند. بنده هم نمی‌دانستم چه‌کار می‌خواهم بکنم، چمران هم شد فرماندهٔ این جمع؛ چون ایشان کار نظامی کرده بود، می‌دانست. من به مرحوم چمران گفتم: من هم بیایم؟ گفت چه عیب دارد. گفتیم لباس بیاورید، لباس آوردند، لباس سربازی. بنده برای اوّلین بار، لباس سربازی را آن روز پوشیدم، کلاشینکف البته داشتم، برداشتم کلاشینکف را با این جمع راه افتادیم. همان شب اوّل، ساعت حدود دوازده، یک، رفتیم توی منطقه. منطقهٔ تاریک ظلمانی، چون چراغی روشن نمی‌شد، تمام آن منطقه، تمام خوزستان شاید بشود گفت، یا اقلاً این بخش از خوزستان خاموشی بود.

از همان شب اوّل شروع کردیم. من رفتم نزدیک، دیدم که وضع چیست. دیدم که حضور یک عمامه به سر، آنجا چه می‌کند. شب اوّلی که ما وارد شدیم در این ستاد لشکر ۹۲ اهواز، یک حالت افسردگی‌ای وجود داشت. ..این شب اول بود. سه، چهار شب که گذشت، ما هر شب همین عملیات را می‌رفتیم؛ مرتب هر شب با مرحوم چمران و یک عده‌ای از افرادی که ایشان با خودش آورده بود و بعضی از بچه‌هایی که با من بودند، می‌رفتیم منطقه برای عملیات. بعد از سه، چهار شب، یک روز دیدم یک سرهنگی بود، یا سرهنگ دویی بود، یا سرگردی بود،

***صدها نفر شهید و هزاران نفر مجروح شدند. مجروحانی که باید تا آخر عمر با دردها، تاول‌ها و سرفه‌ها و حمله‌های عصبی می‌ساختند. هیچ صدایی هم از جهان بیرون نمی‌آمد. وقتی کار جزایر مجنون در عملیات‌های خیبر و بدر، داشت به آخر می‌رسید، دشمنِ بی‌رحم، شیمیایی را وارد پاتک‌ها می‌کرد و دسته‌دسته بچه‌های رزمنده پرپر می‌شدند. ایران تحریم نظامی بود و ماسک ضد شیمیایی به همه نمی‌رسید.**

یادم نیست. مرد نسبتاً مسنی هم بود، دیگر در آن درجه، قاعدتاً هم سن، خیلی جوان نیست، آمد پیش من، یک نامه‌ای به من داد، گفت من خواهش می‌کنم به این نامه توجه کنید. من ته دلم سوءظن پیدا کردم، گفتم این لابد آمده، می‌گوید بگویید به من مرخصی بدهند، یک خورده لجم هم گرفت که حالا توی این اوضاع و احوال! نامه را باز کردم، دیدم نوشته که من از شما خواهش می‌کنم، شما که دارید شب‌ها می‌روید عملیات، یک شب هم دست من را بگیرید، من را هم ببرید. من منقلب شدم، دیدم همان آدم است، همان آدمِ دو، سه شب قبل است.» ۱۳۶۷/۹/۱۰

[ادامه سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای در اجلاس هراره:] قسمت بزرگی از خاک ایران اشغال می‌شود. شهرها و دهات و مناطق اشغالی با خاک یکسان می‌شوند. مردم غیرنظامی به اسارت گرفته می‌شوند یا دسته جمعی اعدام می‌گردند. مقررات بین‌المللی یکی پس از دیگری نقض می‌شود و قرارداد الجزایر که میان رژیم کنونی عراق با رژیم شاه، برای حل و فصل مسائل مرزی بسته شده بود، از سوی رئیس حکومت عراق پاره‌پاره می‌گردد.

کاربرد مکررِ وسیعِ سلاح‌های ضد انسانیِ شیمیایی، بدون اعتنا به افکار عمومیِ جهانی، در دو، سه سال اخیر ادامه می‌یابد. شهرها و اماکن مسکونی، مورد حملاتِ مکرر هوایی و موشکی قرار می‌گیرند. حتی نسل‌های گذشته از این جنایات ضد بشری مصون نمانده، یادگارهای آنان و بناهای تاریخی و میراث‌های فرهنگیِ بشری نیز مورد تهاجم قرار می‌گیرند؛ و بدین ترتیب، در طول شش سال جنگ تحمیلی، رکورد بسیاری از جنایات تاریخی شکسته می‌شود.

بعد از جنگ جهانی اول و استفادهٔ وحشیانهٔ خیلی از کشورها از سلاح‌های شیمیایی و کشته و مصدوم شدن میلیون‌ها نفر، «کنوانسیون ژنو»، با حضور چندین کشور، از جمله عراق تصویب شد. یکی از مهم‌ترین بندهای آن، منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و امثال آن بود. بعد از آن، گرچه تولید مخفیانهٔ این سلاح‌ها ادامه داشت، اما استفاده از آنها، به‌جز موارد معدود و بسیار محدود اتفاق نیفتاد. در جنگ جهانی دوم، هیچ‌یک از کشورهای درگیر، از سلاح شیمیایی استفاده نکردند تا اینکه جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز شد. چند ماه از جنگ گذشته بود که تعدادی از رزمندگان جنوب خوزستان، پس از اصابت خمپاره‌ها، دچار حالت تهوع و سرفه‌های شدید شدند؛ طوری‌که همهٔ آنها را از منطقه به بیمارستان بردند و یک نفرشان به شهادت رسید.

سال ۵۹ و ۶۰، سال آزمایش بود و استفاده‌های محدود. بعثی‌ها می‌خواستند قوت سلاح‌ها را بسنجند. مهم‌ترین آزمایش، آزمایش بر روی نمونه‌های انسانی بود. پالایشگاه آبادان را زده بودند و تعدادی از مهندسان شرکت نفت که به آبادان می‌رفتند تا فکری برای خرابی‌ها بکنند، به آبادان نرسیده، اسیر نیروهای بعثی شدند. نام این مهندسان در هیچ‌کدام از لیست‌های اسرا ثبت نشد. چندین ماه در قرنطینه بودند، اتاقی نمناک و تاریک، جایی چهل متری، برای حدود صدوبیست نفر اسیر.

بعد آنها را به موصل بردند. زندانی بدتر، بدون هیچ امکاناتی، وضع جسمانی آنها آن‌قدر بد بود که دندان‌هایشان به‌خودی‌خود می‌ریخت. چند روز پس از ورود به زندان موصل، بوهای بدی در ساعت‌های خاصی آنها را آزار می‌داد؛ بوهایی شبیه به بوی سیر و شکلات تلخ. اسرا دچار تهوع و سرگیجه و سرفه می‌شدند و پوست‌هایشان تاول می‌زد. بعضی روزها تعدادی را به جایی مانند بهداری می‌بردند، از آنها آزمایش خون می‌گرفتند و آمپول‌های خاص می‌زدند. هرکس که از بدحالی بیهوش می‌شد، یا چند نفری که چشمانشان کور شد را از بقیه جدا می‌کردند. و دیگر خبری از آنها نمی‌شد.

***آلمان و فرانسه و آمریکا و چند کشور دیگر، باواسطه و بی‌واسطه مواد و دانش لازم را به صدام می‌رساندند. چند کارخانهٔ جدیدِ تولید سلاح‌های شیمیایی در عراق به‌راه افتاد که هرکدام سالانه چند تن، انواع مواد لازم برای سلاح‌های شیمیایی را تولید می‌کردند.**

یک روز گاز خردل، یک روز خفه‌کننده، یک روز اعصاب؛ آنجا آزمایشگاهی بود برای سلاح‌های شیمیایی بعثی‌ها. اول، این اسرا، بعد رزمندگان ایرانی، و بعد هم مردم غیرنظامی.

تا پایان سال ۱۳۶۱، بعثی‌ها بیست بار از سلاح شیمیایی استفاده کردند. حال دیگر از آن راضی بودند! فقط در سال ۱۳۶۴، شصت‌ودو بار بمب‌های شیمیایی بر سر ایرانی‌ها فرود آمد.

صدها نفر شهید و هزاران نفر مجروح شدند. مجروحانی که باید تا آخر عمر با دردها، تاول‌ها و سرفه‌ها و حمله‌های عصبی می‌ساختند. هیچ صدایی هم از جهان بیرون نمی‌آمد. وقتی کار جزایر مجنون در عملیات‌های خیبر و بدر، داشت به آخر می‌رسید، دشمنِ بی‌رحم، شیمیایی را وارد پاتک‌ها می‌کرد و دسته‌دسته بچه‌های رزمنده پرپر می‌شدند. ایران تحریم نظامی بود و ماسک ضد شیمیایی به همه نمی‌رسید. آن‌که ماسک می‌زد هم در امان کامل نبود. شاید سال‌ها بعد، وقتی‌که یک روز نفسش بالا نمی‌آمد، تازه می‌فهمید که آن روز در جبهه، با وجود زدن ماسک، بازهم شیمیایی شده. بعثی‌ها از سکوت دنیا جری‌تر می‌شدند و هرجا عرصه تنگ می‌شد، بمب‌ها و خمپاره‌های شیمیایی به کمکشان می‌آمد. بالاخره آن‌قدر شیمیایی زدند و آن‌قدر نمایندگان و دوستان ایران در دنیا فریاد زدند تا اولین صداها بلند شد. اما چه صدایی: از دو طرف جنگ خواستند که از سلاح شیمیایی استفاده نکنند! تاریخ سازمان ملل و کشورهای مدعی صلح، هیچ چیز به‌جز شرم و بی‌حیایی نیست. نتیجهٔ این حرف‌های بزدلانه معلوم بود؛ هیچ.

والفجر هشت کمر بعثی‌ها را شکست، داشتند فاو را از دست می‌دادند و قدم بعد هم بصره بود. آن‌قدر شیمیایی زدند تا بتوانند حداقل بصره را نجات دهند، فاو را که از دست داده بودند. مصرف سلاح‌های شیمیایی هر روز بیشتر می‌شد. آلمان و فرانسه و آمریکا و چند کشور دیگر، باواسطه و بی‌واسطه مواد و دانش لازم را به صدام می‌رساندند. چند کارخانهٔ جدیدِ تولید سلاح‌های شیمیایی در عراق به‌راه افتاد که هرکدام سالانه چند تن، انواع مواد لازم برای سلاح‌های شیمیایی را تولید می‌کردند. سران بعثی هیچ‌وقت استفاده از این سلاح‌های ممنوع را انکار نمی‌کردند، حتی با پررویی تهدید می‌کردند که از سلاح‌های جدید و ناشناخته و کشنده‌تر استفاده می‌کنند، و در دنیا کسی اعتراض نمی‌کرد! چند نوع جدید از این سلاح‌ها، برای اولین بار استفاده می‌شدند؛ گازهای اعصاب، آلوده‌کننده‌های خون و خفه‌کننده‌هایی که تا راه مقابله با آنها و درمان مصدومان معلوم شود، صدها قربانی می‌گیرند.

***در جنگ جهانی دوم، هیچ‌یک از کشورهای درگیر، از سلاح شیمیایی استفاده نکردند تا اینکه جنگ تحمیلی علیه ایران آغاز شد. چند ماه از جنگ گذشته بود که تعدادی از رزمندگان جنوب خوزستان، پس از اصابت خمپاره‌ها، دچار حالت تهوع و سرفه‌های شدید شدند؛ طوری‌که همهٔ آنها را از منطقه به بیمارستان بردند و یک نفرشان به شهادت رسید.**

زیرپوست جنگ - ۲

نماینده وقت صدام در سازمان ملل:

پیشنهادهایی که نهضت آزادی به صدام می‌داد به‌طور غیرمعقولی مناسب بود!

برنامه‌ی شاهد علی العصر، که هر بار به سراغ یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار جهان عرب رفته و طی چندین قسمت به گفتگو با او درباره‌ی خاطراتش می‌نشیند، به علت رویکرد بسیار چالشی مجری برنامه و همچنین سؤالات دقیق وی شناخته شده است. احمد منصور مجری این برنامه پیش از مصاحبه، با مدت‌ها مطالعه‌ی مستمر درباره‌ی مهمان برنامه و بررسی آرشیو نشریات و همچنین کتب، اقوال مختلف درباره‌ی وی و همچنین دوره‌ی مورد بحث را جمع آوری می‌کند و با استناد به آنها سؤالات دقیق و بی‌پروا و جوی چالشی خلق می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحیم

...*در کنفرانس عدم تعهد که در سپتامبر ۱۹۷۹ [اواخر تابستان ۱۳۵۸] تشکیل شد، صدام حسین به عنوان نماینده‌ی عراق شرکت کرد. تو هم به این عنوان که نماینده‌ی دائم عراق در سازمان ملل بودی در هیئت عراقی حضور داشتی. صدام حسین [در حاشیه این کنفرانس] دیداری داشت با هیئت ایرانی به ریاست ابراهیم یزدی (وزیر خارجه‌ی وقت ایران) و تو هم در این جلسه حضور داشتی. در این دیدار که آن را دیداری تاریخی خوانده‌اند چه گذشت؟

-بله. وقتی این دیدار برگزار شد، جنگ بین ایران و عراق هنوز شروع نشده بود ولی مشکلات فراوانی بین ایران و عراق وجود داشت و عملیات‌های انفجاری و تحریکات در مناطق مرزی عراق و ایران شروع شده بود؛ حمله به برخی پاسگاه‌های مرزی و انفجار در برخی شهرهای عراق [!!] و خصوصا بغداد. به همین سبب بحران بین عراق و ایران به مرور بالا می‌گرفت و خیلی‌ها پیش‌بینی می‌کردند این مسائل بالا بگیرد و به راه افتادن جنگ منجر شود. ولی در هر حال جنگ هنوز شروع نشده بود. در روز اول کنفرانس، نماینده‌ی ایران در سازمان ملل با من تماس گرفت. البته او یک کارمند بود چون نماینده‌ی ایران در سازمان ملل از طرف نظام شاهنشاهی منصوب شده بود و بعد از انقلاب او را کنار گذاشته بودند و به صورت موقت شخص دیگری جایش را گرفته بود. این شخص به من اعلام کرد که دکتر ابراهیم یزدی (وزیر خارجه‌ی وقت ایران) مایل است صدام حسین را ببینند.

من هم طبعا بنا به سلسله مراتب اداری با وزیر خارجه‌ی وقت عراق دکتر سعدون حمادی تماس گرفتم و تمایل وزیر ایرانی را به او ابلاغ کردم. سعدون حمادی نپذیرفت که این موضوع را به صدام بگوید. من البته خیلی اصرار کردم ولی نپذیرفت و من تا همین الان هم نمی‌دانم چرا دکتر سعدون حمادی که یک شخص دانشگاهی و متفکر بود نپذیرفت...

***درباره‌ی رفتارهای سعدون حمادی علامت سؤال‌های زیادی وجود دارد که بعدا به آنها خواهیم رسید.**

-بله، این شخص دانشگاهی و روشنفکر و نویسنده‌ی معروف، کسی که سال‌های بسیار طولانی در وزارت خارجه بوده نمی‌دانم چرا نپذیرفت با صدام این موضوع را مطرح کند. هر چند من با هر وسیله‌ای که در اختیار داشتم تلاش کردم در باره‌ی این مسئله‌ی بسیار مهم قانعش کنم و اینکه ما به این بحران بین خودمان و ایران و نیازی نداریم و باید با همه‌ی توانمان تلاش کنیم که این بحران را آرام کنیم، ولی نپذیرفت. آن وقت بود که...

***تا امروز تفسیری برای این موضوع نداری؟**

-راستش نمی‌توانم چیزی خاصی بگویم چون نمی‌دانم، تفسیرخاصی ندارم. خلاصه من خودم شخصا رفتم پیش صدام حسین و موضوع را با او مطرح کردم. صدام هم بعد از مدتی تردید، یعنی بعد از کمی تأمل پذیرفت ولی قبلش از من پرسید: «نظرت چیست؟ مشخصا درباره‌ی این پیشنهاد چه نظری داری؟» من هم گفتم: «من شخصا معتقدم این یک فرصت بی‌نهایت مهم است و باید از آن استفاده کنیم. پیشنهاد هم از طرف ایران بوده و ما دو کشور همسایه‌ایم و دلیلی ندارد که با ایران مشکل داشته باشیم، ایران کشور همسایه‌ی ماست که در آن یک سری مشکلات و نا آرامی‌ها وجود دارد و...» صدام هم پذیرفت و گفت بعد از پایان جلسه‌ی کنفرانس به وزیر خارجه‌ی ایران بگو من در همان منزلی که در آن ساکنم پذیرای او خواهم بود. دکتر ابراهیم یزدی هم آمد و من از درب ورودی به استقبالش رفتم. به صدام سلام کرد و خودمان تنها نشستیم، صدام حسین و ابراهیم یزدی و من هم بودم. بحث پیرامون مشکلات موجود بین دو کشور شروع شد و بحث دیپلماتیکِ صد در صد مثبتی بین دو طرف صورت گرفت، صد در صد مثبت. ابراهیم یزدی حقیقتا این تصویر را در ذهن من از خود به جا گذاشت که انسانی است که بسیار بسیار تمایل دارد این بحران بین [دو کشور همسایه خاتمه یابد].

***او را یک وزیر خارجه‌ی ممتاز توصیف کرده‌اند.**

- بله حقیقتا ممتاز بود. انسانی با اخلاق خوش، سینه‌ی گشاده و پیشنهادهایی که به صدام می‌داد به صورت غیر معقولی [مناسب بود]...

*** نماینده وقت عراق در سازمان ملل در مورد دیدار ابراهیم یزدی (عضو ارشد نهضت آزادی و وزیر خارجه وقت) با صدام می گوید: بله حقیقتا ممتاز بود. انسانی با اخلاق خوش، سینه‌گشاده و پیشنهادهایی که به صدام می‌داد به صورت غیر معقولی [مناسب بود]...**

*** به من اعلام شد که دکتر ابراهیم یزدی (وزیر خارجه‌ی وقت ایران) مایل است صدام حسین را ببینند. من هم طبعا بنا به سلسله مراتب اداری با وزیر خارجه‌ی وقت عراق دکتر سعدون حمادی تماس گرفتم و تمایل وزیر ایرانی را به او ابلاغ کردم. سعدون حمادی نپذیرفت که این موضوع را به صدام بگوید.**

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود

تلفن: ۳۵۲۰۲۱۱۳ Research@kayhan.ir

آگهی مزایده

شرکت کشت و دام قیام اصفهان در نظر دارد دامهای ذیل را از طریق برگزاری مزایده در روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۲ به فروش رسانده یا به افراد واجدالشرایط واگذار نماید، لذا از متقاضیان دعوت می‌شود، در جلسه‌ای که به همین منظور راس ساعت ۱۱ صبح روز مذکور در محل دفتر مرکزی شرکت به آدرس پلیس راه اصفهان، تهران- کیلومتر ۹ جاده علویجه تشکیل می‌شود، حضور بهم‌رسانند.

تلفن تماس: **۰۳۱-۳۳۸۰۴۳۳۴**

۱- تعداد ۳۵ راس گاو کشتارگاهی

۲- تعداد ۱۹۹ راس گوساله نر شیرخوار(تعداد ۲۴ راس در واحد ایوان غرب استان ایلام)

۳- تعداد ۶۶ راس گوساله قطع شیر(تعداد ۱۱ راس در واحد ایوان‌غرب استان ایلام)

آگهی فقدان اسناد فروش

اینجانب لیلا آتش‌فراز فرزند غلامحسن شماره شناسنامه ۵۵ صادره از گرگان مالک خودروی سواری پراید مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۷۴۵ ج ۱۶ ایران ۵۹ و شماره موتور ۱۹۰۵۰۸۳ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۰۶۴۰۰۱ بعلت فقدان اسناد فروش و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری خودرو تقاضای رونوشت المثنی اسناد خودروی مذکور را نموده‌ام. لذا هرکسی ادعایی در خصوص خودروی فوق را دارد ظرف مدت ده (۱۰) روز به دفتر حقوقی شرکت سایپا واقع در تهران جاده قدیم کرج مراجعه نمایند بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی مفقودی کارت دانشجویی

کارت دانشجویی اینجانب علی بهروزپور دانشجوی مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته I.C.T به شماره دانشجویی ۹۰۱۲۵۳۰۷ از موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مزارعه اراضی دیم جهت کشت نخود

شرکت کشت و صنعت بازوی کشاورز کرمانشاه (سهامی خاص) در نظر دارد مقدار ۶۰۰ هکتار از اراضی تحت تملک خود را در واحدهای کرمانشاه و همدان (۳۰۰ هکتار کرمانشاه بخش گواور، ۱۰۰ هکتار شهرستان صحنه، ۱۰۰ هکتار شهرستان کبودراهنگ روستای اوچ‌تپه و ۱۰۰ هکتار همدان روستای سبزآباد) جهت کشت نخود را از طریق مزارعه واگذار نماید لذا از شرکت‌ها و اشخاص واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید مدارک زیر را حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۷/۱۱ در پاکت دربسته به آدرس‌های ذیل ارسال نمایند.

زمان شروع دریافت اسناد: پس از انتشار آگهی مزارعه می‌باشد.

محل‌های دریافت اسناد و ارائه پیشنهاد: ۱- دفتر مرکزی شرکت به آدرس: کرمانشاه اسلام‌آباد غرب کیلومتر ۲۵ جاده گیلانغرب شهر سرسمت کیلومتر هفت جاده باسکله گاوداری کمیته امداد (تلفن ۰۸۳۴۳۲۸۲۷۴۴) ۲- واحد صحنه به آدرس شهرستان صحنه بلوار امام (ره) پشت اداره آب و فاضلاب تلفن ۰۸۳۴۸۳۲۲۷۶۰ ۳- واحد همدان چهارراه پارک بلوار بعثت بالاتر از استخر آبیاران ساختمان مجتمع اقتصادی تلفن ۰۸۱۳۸۳۸۶۰۴۷

آخرین مهلت ارائه پیشنهاد: پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۱.

تاریخ بازگشایی: ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۳۹۶/۷/۱۵ در محل دفتر مرکزی شرکت می‌باشد.

تضمین شرکت در مزارعه در اسناد مزارعه قید گردیده است. بدیهی است وفق آیین‌نامه مالی و معاملاتی شرکت، هزینه نشر و آگهی برعهده برنده مزارعه بوده و صرف شرکت در مزارعه و ارائه پیشنهاد، ایجاد حق برای شرکت‌کننده و ایجاد تکلیف برای شرکت نمی‌نماید و در ضمن به پیشنهادهای مشروط، مبهم و پیشنهادهایی که با شرایط آگهی مغایرت داشته باشند و یا بعد ازمدت مقرر در آگهی تحویل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد شرکت در رد و یا قبول هر یک از پیشنهادها بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مجاز و مختار می‌باشد.

توضیح: پیشنهادات جهت مزارعه زمین کمتر از ۱۰۰ هکتار مردود است.

امور بازرگانی شرکت کشت و صنعت بازوی کشاورز کرمانشاه

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم به کلاسه پرونده: ۱۳۹۵/۱۳۹۵

خواهان: زهره گودآسیایی فرزند علی‌اصغر خوانده: محرم حرفبد فرزند صادق خواسته: طلاق

خواهان دادخواستی تسلیم دادگاه‌های عمومی نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه حقوقی سبزوار واقع در خراسان رضوی شهرستان سبزوار- ابتدای بلوار شهرک توحید ارجاع گردیده به علت مجهول‌المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف ده روز به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود داور واجدالشرایط خود را که متاهل سی‌سال بالاتر باشد را معرفی نماید در غیر این صورت دادگاه راسا داور انتخاب خواهد نمود. ضمنا چنانچه بعدا ابلاغی به وسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود.

شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان سبزوار

آگهی حصر وراثت

آقای عبید شهرت رفقی نام‌پدر منجیل بشناسنامه ۴۴۵ صادره از دشت‌آزادگان درخواستی بخواسته صدور گواهی حصر وراثت تقدیم و توضیح داده که شادروان مرحومه صالحه شهرت آذرشب بشناسنامه ۲۶۹۴ صادره از دشت آزادگان در تاریخ ۹۲/۲/۷ در شهرستان اهواز اقامتگاه دائمی خود فوت ورثه‌اش عبارتند از: ۱- متقاضی با مشخصات فوق (زوج متوفیه) ۲- عزیز رفقی شماره شناسنامه ۵۱۳ صادره دشت‌آزادگان ۳- جلیل رفقی شماره شناسنامه ۸۷۶۲ صادره دشت آزادگان ۴- علی رفقی شماره شناسنامه ۴۵۸ صادره دشت آزادگان ۵- عباس رفقی شماره شناسنامه ۱۰۶۶۱ صادره اهواز ۶- خلیل رفقی شماره ملی ۱۷۴۰۷۸۲۶۶۶ صادره اهواز (فرزندان ذکور متوفیه) ۷- لیلا رفعتی شماره ملی ۱۷۴۱۰۹۹۸۷۰ صادره اهواز ۸- جلیله رفقی شماره شناسنامه ۸۷۶۳ صادره از دشت آزادگان (فرزندان اناث متوفیه) و لاغیر بشرح دادخواست تقدیمی ۹۶۰۳۷۹/۸/۹۶ حقوقی می‌باشد.

اینک با انجام تشریفات قانونی مراتب مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هرکس اعتراض دارد یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر و هر وصیت‌نامه بجز سری و رسمی که بعد از این تاریخ ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.

قاضی شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۲ اهواز اسلامی

اینجانب فرزاد جعفری مالک خودروی پژو پارس مدل ۱۳۹۳ به شماره انتظامی ۳۷۱ ق۱۶- ایران۱۹ و شماره بدنه NAAN۰۱CA۱EH۱۵۲۳۶۴ و شماره موتور ۱۲۴K۰۵۲۳۳۷۵ به علت فقدان برگ کمپانی اسناد فروش و سند سبز تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج شهرک پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

آگهی ابلاغ دادخواست و ضمایم وفق ماده ۷۳

بدینوسیله به حبیب عساکره مجهول‌المکان اخطار و ابلاغ می‌گردد محمد کعبی دادخواستی بطرفیت شما مبنی بر انتقال سند و فک پلاک به دفتر دوم دادگاه عمومی بندر امام‌خمینی(ره) تقدیم نموده که به کلاسه ۱۴۲۶/۹۵ ح‌ش ثبت و دادنامه تعیین گردیده است. لذا حسب تقاضای خواهان و دستور دادگاه به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار درج تا خوانده با مراجعه به دفتر این دادگاه نسخه ثانی دادخواست و ضمایم را دریافت و در جلسه رسیدگی مقرر حضور یابد در غیر اینصورت ابلاغ قانونی صورت گرفته و دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

مدیر دفتر شورا دادگاه عمومی بندر امام خمینی(ره)- زبیدی

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) پیکان وانت مدل ۱۳۸۷ به شماره انتظامی ۷۸۳ ص ۳۳ ایران ۶۹ و شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۲۳۹۹۶ و به شماره شاسی NAAA۴۶AA۶۸G۰۲۱۶۹۶ متعلق به اینجانب مهدی خلیقی فرزند محمدصادق شماره شناسنامه ۲۱۳۵ و کد ملی ۶۲۴۹۷۷۳۶۷۳ صادره از آزادشهر مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پژو PARSXU۷ به شماره پلاک ۸۴۶ ل ۸۳ - ایران ۱۴ به رنگ مشکی - متالیک مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور ۱۲۴k۰۴۵۸۲۴۵ و شماره شاسی NAAN۰۱ CA۱EK۸۵۴۳۳۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای علی‌اصغر بسحاق فرزند حسین

خواهان آقای قاسم قادری دادخواستی به طرفیت خوانده آقای علی‌اصغر بسحاق به خواسته مطالبه چک مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۶۷۱۲۳۰۰۴۴۳ شعبه سوم حقوقی شورای حل اختلاف شهرستان الیگودرز ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۸/۷ ساعت ۱۱:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه سوم حقوقی شورای حل اختلاف شهرستان الیگودرز - ملابخشی

استان لرستان - شهرستان الیگودرز - خیابان امام‌خمینی(ره)

۶۸۲۳ م الف ساختمان دادسرا - کدپستی: ۶۸۶۱۸۱۶۳۴۵

سند کمپانی خودروی پژو ۲۰۶ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره موتور ۱۶۵A۰۰۳۰۸۵۶ و شماره شاسی NAAP۰۳EE۳FJ۲۲۰۴۹ به شماره پلاک ۱۷-۹۱۶ س ۳۴ بنام یاور جوشن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب علیرضا سالاری فرزند عبدالحسین به شماره شناسنامه ۶۰۵ صادره از دشتستان در مقطع کارشناسی رشته عمران صادره از واحد دانشگاهی آزاد بوشهر با شماره ۰۱-۱۵-۶/۶۴۵ / ۱۳۸۹/۲/۲۱ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر به نشانی خیابان مطهری ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری ام.وی.ام به شماره پلاک ۴۹۳ ل ۵۱ - ایران ۱۴ به رنگ سفید - روغنی مدل ۱۳۹۳ و شماره موتور MVM۴۸۴FFFE۰۲۵۶۷۳ و شماره شاسی NATGCAVF۷E۱۰۲۶۴۸۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی ابلاغ اجرائیه ۹۶۰۰۱۵۲

بدین‌وسیله به آقای اسماعیل یوسفی فرزند کریم شماره ملی ۳۲۵۷۷۷۲۴۲۴ صادره از کرمانشاه ابلاغ می‌شود که خانم سیده نشمین یوسفی جهت وصول طلب به استناد مهریه مندرج در سند ازدواج شماره ۱۲۷ دفتر ۱۷۸ سنندج علیه شما اجرائیه صادر نموده و پرونده اجرائی به کلاسه ۹۶۰۰۱۵۲ در این اداره تشکیل شده و طبق گزارش مورخ ۹۶/۵/۷ مامور، محل اقامت شما به شرح متن سند شناخته نشده، لذا بنا به تقاضای بستانکار طبق ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرا مفاد اجرائیه فقط یک مرتبه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محلی آگهی می‌شود و چنانچه ظرف مدت ده روز از تاریخ این آگهی که روز ابلاغ محسوب می‌گردد، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی جریان خواهد یافت.

رئیس اداره اجرای اسناد رسمی سنندج محمدعلی کریمی‌نسب

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

خواهان میرزاعلی والی‌نیایی دادخواستی به طرفیت خوانده محمود حاجی‌شیخ به خواسته الزام خوانده به حضور در دفترخانه و انتقال قطعی سند تقدیم دادگاه نموده که به کلاسه ۹۶۰۱۳۰ ثبت این شعبه و برای مورخ ۹۶/۸/۷ ساعت ۹ صبح وقت رسیدگی جهت رسیدگی به درخواست دستور موقت تعیین شده است لذا چون خوانده مجهول‌المکان می‌باشد به دستور ریاست محترم دادگاه و به استناد به ماده ۷۳ قانون آ.د.م. دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ مراتب در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار درج تا خوانده ضمن اطلاع از وقت رسیدگی جهت اعلام آدرس کامل خود و تحویل گرفتن رونوشت دادخواست و ضمائم به دفتر شعبه دوم حقوقی دادگاه اندیمشک مراجعه و الا دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

شعبه دوم حقوقی دادگاه عمومی اندیمشک - محمدیان

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده